

شرق

یادداشت

سوریه فدرال مطلوب کیست

آرش رازانی

از آغاز ورود عملی روسیه به منازعات سوریه، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد بررسی تحلیلگران سیاسی، پی‌بردن به اهداف اصلی این کشور از ورود به این ماجراجویی پرمخاطره است. در ابتدا، تصور بر این بود که این کشور با استفاده از خلأ عدم حضور مؤثر آمریکا در سوریه و بالاگرفتن کار داعش، قصد دارد به‌عنوان ناجی در این کشور، هم چهره بین‌المللی خود را که بر اثر مناقشات اوکراین تخریب شده یبود بازسازی کند و هم با حفظ حاکمیت حزب بعث در سوریه، پایبندی خود به اتحادهای بین‌المللی‌اش را نشان دهد. این تصور اولیه اما با حرکات پیچیده روسیه در ادامه حضورش رنگ باخت و مشخص شد که برنامه حضور این کشور بسیار حساب‌شده‌تر و بلندمدت‌تر از تصورات اولیه است؛ تعامل مثبت با اسرائیل، مناقشه و حتی درگیری نظامی با ترکیه و سپس گردش حیرت‌آور به سمت «رجب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، و نجات او از طریق لودان کودتا –که اردوغان را رسماً به دشمن دیروزش مدیون کرده و متحد امروزش کرد– تعامل با ائتلاف بین‌المللی تحت رهبری آمریکا در جنگ با گروه‌های معارض سورى، همکاری با ایران و حزب‌الله و امتناع از ورود به جنگ در مناطقی دیگر همگی از جمله این حرکات پیچیده هستند.

اما آنچه از منظر منافع ملی ایران اهمیت بیشتری نسبت به سایر جنبه‌های نقش‌آفرینی روسیه در سوریه دارد، ارتباط اهداف روسیه با اهداف ایران در حمایت از دولت سوریه و رویارویی با گروه‌های تروریستی است. می‌توان در نگاهی کلی سه هدف اصلی ایران را به‌این‌ترتیب برشمرد:

۱- مقابله و سرکوب گروه‌های سلفی تکفیری و جلوگیری از قدرت‌گرفتن آنها در حد تصرف یک کشور

۲- حفظ حاکمیت سوریه به‌عنوان متحد استراتژیک در قلب خاورمیانه و عضو محور مقاومت در همسایگی با اسرائیل

۳- حفظ تمامیت ارضی سوریه به‌عنوان یکی از کشورهای دارای تنوع قومیتی و مذهبی بالای منطقه

در چارچوب رسیدن به هدف اول، همکاری روسیه با ایران گرچه با اماوگره‌هایی روبه‌رو بوده است، اما مجموعاً پس از گذشت حدود یک‌سال‌ونیم از همکاری بین ایران، حزب‌الله و روسیه به دولت و ارتش سوریه می‌توان گفت قدرت گروه‌های سلفی تکفیری بسیار کمتر شده است و بسیاری از مناطق پراهمیت این کشور از کنترل این گروه‌ها خارج شده‌اند. در موارد دوم و سوم اما شرایط کاملاً متفاوت است؛ آنچه از آخرین فعالیت‌های روسیه می‌توان دریافت، حرکت خلاف جهت منافع ایران و هماهنگی و هم‌آوایی با آمریکا و اسرائیل است. اولین‌بار ماه مارس سال گذشته بود که «سرگئی ریابکوف»، معاون وزیر خارجه روسیه، در نشستى خبری در مسکو با اشاره به تأارامی‌های سوریه گفت: «اگر طرفین پس از مذاکرات، بحث و رایزنی‌ها دربارهٔ دولت آینده سوریه به این نتیجه برسند که این طرح فدرال برای حفظ ملتی واحد، سکولار، مستقل و مقتدر مناسب است، آنگاه چه کسی به آن اعتراض خواهد کرد؟».

ادامه در صفحه ۱۲



«محمد ایرانی» سفیر سابق ایران در اردن، در گفت‌وگو با «شرق» روایت می‌کند:

جولانگاه پوتین در خاورمیانه

ضدترویسیم اتخاذ خواهد کرد که این در چارچوب سیاست‌های دیپلماتیک روسیه هم قرار دارد. از طرف دیگر ترامپ این تحلیل را دارد که برای پیشبرد اهداف کشورش در خاورمیانه باید به‌نوعی نقش‌آفرینی روس‌ها را به رسمیت بشناسند و دقیقاً به‌همین دلیل، هرگونه درگیری و چالش با روسیه و شخص پوتین را اتفاقی هزینه‌ساز می‌داند. این حالت ممکن است آمریکایی‌ها را از رسیدن به اهداف‌شان بازدارد. این نکته‌هایی است که درواقع روسیه و آمریکا را به اشتراک نظر رسانده است. البته در بسیاری از موضوع‌ها هم احتمالاً اختلاف نظرهایی هم با همدیگر پیدا خواهند کرد و حتی این امکان هم وجود دارد که در مقابل یکدیگر قرار گیرند؛ چون در حوزه مدیریتی کاخ سفید به‌هرحال همچنان مهره‌های تأثیرگذار و قدرتمندی وجود دارند که می‌توانند در تصمیم‌سازی ترامپ در قبال روسیه تغییرهایی به وجود بیاورند.

بنابراین زود است بخواهیم درباره چشم‌انداز رابطه دو کشور قضاوت یا پیش‌بینی‌ای داشته باشیم و همچنان سایه‌ای از ابهام وجود دارد که ما را به این نتیجه می‌رساند باید منتظر رویدادهای آتی باشیم. بااین حال، می‌توان این‌طور گفت پیش‌بینی بهبود روابط روسیه با آمریکا به ن‌وع تحکرات کاخ سفید و کرملین در آینده بستگی دارد و فکر می‌کنم اگر مشخصاً در بحث سوریه مسائل به سمت تفاهم پیش برود، دو کشور بتوانند در موضوع‌های دیگر هم تعاملی لازم و مثبت را تجربه کنند. البته تکرار و تأکید می‌کنم هنوز زود است که درباره نگاه آمریکا و روسیه به هم نظری داشته باشیم. همچنین



ترامپ این تحلیل را دارد که برای پیشبرد اهداف کشورش در خاورمیانه باید به‌نوعی نقش‌آفرینی روس‌ها را به رسمیت بشناسد و دقیقاً به‌همین دلیل، هرگونه درگیری و چالش با روسیه و شخص پوتین را اتفاقی هزینه‌ساز می‌داند. این حالت ممکن است آمریکایی‌ها را از رسیدن به اهداف‌شان بازدارد. این نکته‌هایی است که درواقع روسیه و آمریکا را به اشتراک نظر رسانده است

این توضیح لازم است اگر در بحث سوریه با هم به تفاهم نرسند، دوباره شاهد این خواهیم بود که دو کشور در مقام دو قدرت جهانی، دوباره فضایی مملو از تنش و چالش و البته رقابت برای قدرت‌نمایی در سطح جهانی را تجربه خواهند کرد.

کا دولتا هر کدام از کشورها، به‌قدری ارزش دارد که هم آمریکا و هم روسیه بخواهند از برخی از موضع‌های خود کوتاه بیایند؟

بییندا نکته معلوم این است هیچ‌کدام از طرفین تمایلی به این ندارند که فضایی چالشی داشته باشند. آمریکایی‌ها از زمان اوباما به نقش و اهمیت روسیه در خاورمیانه و به‌ویژه در بحث سوریه اعتراف کرده‌اند و معتقدند بدون روسیه، هیچ طرحی در سوریه پیش نخواهد رفت و هرگونه نادیده‌گرفتن روس‌ها از جانب ایالات متحده حتماً موجب رویارویی خواهد شد. بنابراین

گردها و امید وصل نقاط سه‌گانه شمال سوریه

تلاش ارتش سوریه ایجاد کردوری برای شکست داعش و درست‌کردن معبری است تا بتواند به استعداد نظامی نیروهای کرد در جبهه شرقی شهر الباب متصل شود. درحال حاضر چیزی نمانده تا ارتش سوریه به این مهم دست یابد و این می‌تواند آغاز امید دوباره‌ای برای نیروهای کرد برای رسیدن به قسمت غربی مناطق کردی باشد. اگر فرض را بر آن بگیریم که گردها و دولت بشار اسد تا به امروز در منازعه سوریه به دلیل نبرد با گروه‌های دیگر کاری به کار یکدیگر نداشته‌اند، ایجاد این گذرگاه شاید منجر به رابطه تاکتیکی بین آنها شود؛ زیرا به دلیل اشغال فاصله بین کانتون کوبانی تا کانتون عفرین گردها قادر نخواهند بود که از آن مسیر عبور کنند و ناچارند از مسیر تازه که منطقه جنوبی

افشین غلامی: پس از آنکه ترکیه مجوز ورود به خاک سوریه را از سوی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در دیدارهای ضرب‌الاجلی پس از کودتای ۱۵ جولای دریافت کرد، به صورت سیستماتیک و با کمک آتشبار سنگین وارد عمق ۴۰کیلومتری و پهنا۷۰کیلومتری شمال سوریه شد.

هدف ترکیه در وهله اول قطع مناطق سه‌گانه کردی و در وهله دوم پیاده‌کردن رویکرد تهاجمی برای حضور نظامی در خاک سوریه و فشار به دولت مرکزی این کشور بود. از نگاهی ورود ترکیه به منزله ناامیدی کردها در ایجاد سیستم سرزمین واحدی به نام شمال و غرب سوریه است و از طرفی حضور ترکیه در سوریه، خط بلطانی بر سودای اجراکردن مدل سیستم فدرالیسم دموکراتیک در این منطقه